

# دل نوشته‌های من از نامردی کرونا

آرشا شاهی، کلاس چهارم، دبستان پسرانه دوره دوم، ناحیه ۲

باشیم و عکس کتاب را. خیلی وقت‌ها تصاویر و فیلم‌ها خوب باز نمی‌شود و زمان کلاس مان می‌رود و می‌رود تا این که کرونا برود. چه قدر سخت است که می‌بینم پدر و مادرم از کار و زندگی‌شان می‌گذرند تا خانه ساکت باشد برای ورود به سایت و شروع یک روز تحصیلی دیگر. همه‌ی این‌ها را از چشم تو می‌بینم ای کرونا ای بدجنس!

دلم تنگ شده برای چهره‌ی دوستانم، برای رو در رو حرف زدن‌هایمان، برای دیدن آقا مدیر و معلم پرورشی، حتی برای خانم بهداشت هم که همیشه به موهایم گیر می‌داد، دلم تنگ شده. کاش بزرگ بودم و می‌توانستم کاری کنم که حتی اگر کرونا ماند هم، بتوانیم از همین فضای مجازی هم‌دیگر را یک دل سیر ببینیم، بتوانیم با نشاط تر صبح را به ظهر برسانیم. حتمن از شهریه‌ی دانش‌آموزان برای‌شان اینترنت آماده می‌کردم تا همیشه نگران تمام شدن اینترنت‌شان نباشند و یک نرم‌افزار که صبح‌ها مدیر برای‌مان آرزوی موفقیت کند و دیدنش امیدی باشد برای ادامه‌ی روز. حتمن توی آن نرم افزار می‌توانستیم دوستانمان را ببینیم و آقای پرورشی را که می‌آمد و از ما می‌خواست تا هر هنری داریم طبق برنامه‌ریزی اجرا کنیم و ما لب‌خند به لب ساعت پرورشی را می‌گذرانیم. خسته شده‌ام از بس که در مدرسه‌ی مجازی نخندیدم و فقط درس بود و تکلیف و تکلیف و تکلیف.

دلم خنده می‌خواهد. مسابقه، جایزه و تشویق. دلم خنده می‌خواهد. ■

تقویم را که نگاه می‌کنم دلم تنگ می‌شود برای لحظه‌های خوش مدرسه؛ برای هیاهو و بازی با دوستان، خنده‌های سرکلاس، بوی کتاب نو و لباس آماده و اتو کشیده برای شروع یک سال درس خواندن. دلم تنگ می‌شود برای زنگ تفریح و لقمه‌های مدرسه، برای وقتی که بدون هیچ ترسی با دوستم راه می‌رفتم و لقمه را با هم می‌خوردیم، حتی برای ایستادن کنار سطل آشغال وقتی مدادمان را بدون نگرانی از ویروس کرونا می‌تراشیدیم.

کجاست آن روزهایی که سر صف پاهای خود را صد و هشتاد درجه باز می‌کردیم تا برای دوستانمان جا بگیریم. قدر لحظه‌های بی‌دغدغه و شاد در کنار دوستانمان را حالا می‌فهمم.

زیباترین لحظاتمان را این مهمان ناخوانده از ما گرفت و شادترین دل‌خوشی‌هایمان را از بین برد، ولی این روزها هم می‌گذرد و روزی می‌رسد که دوباره دور هم جمع می‌شویم، بدون ماسک، دستکش و محلول ضدعفونی‌کننده، بدون هیچ دلهره و نگرانی. باز هم دل‌هایمان یکی می‌شود و باز هم مانند گذشته در کنار هم خاطرات خوبی را در دفتر زندگی ثبت می‌کنیم.

حالا درس خواندن به شومی قدم کرونا از مدرسه به فضای مجازی رسیده است. خوب است که هنوز درس می‌خوانیم و یاد می‌گیریم، اما خیلی سخت است ... خیلی، برای این‌که غیر از کیف و کتاب و دفتر و مدارنگی، حالا به خیلی چیزهای دیگر نیاز داریم، باید موبایل یا تبلت هم مجهز به شاید بتوانیم صدای معلم را داشته

